

# ایران توشه

- رانلور نمونه سوالات امتحانی

- رانلور گام به گام

- رانلور آزمون گاج و قلم چی و سنجش

- رانلور فیلم و مقاله انگلیزی

- رانلور و مشاوره



IranTooshe.Ir



@irantooshe



IranTooshe



## گزیده ی نکات تستی گرامر به همراه واژگان ۱۳ سال کنکور سراسری

این مجموعه دارای دو بخش گرامر و واژگان است که با بررسی دقیق ۱۳ سال کنکور سراسری (۹۳-۸۱) گزینش شده است. در بخش گرامر، کوشیده شده است تا با پرداختن به مباحثی که اغلب در آزمون های سراسری مورد سؤال است، نکاتی شرح داده شود که از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و بتوان از آن ها برای هرچه راحت تر پاسخ دادن سوالات تستی استفاده کرد. بخش واژگان شامل لغات متوسط و دشوار است که در طی ۱۳ سال آزمون سراسری رشته ی منحصراً زبان، چه به عنوان جواب تست و چه در صورت سؤال ها و گزینه ها، مورد استفاده قرار گرفته است. لازم به ذکر است که سطح دشواری این مجموعه به گونه ای در نظر گرفته شده است که متناسب با نیازهای تمامی دانش آموزان، چه دانش آموزان آزمون زبان تخصصی و چه دانش آموزان رشته های ریاضی، تجربی، انسانی و هنر، باشد. امید است این مجموعه بتواند گامی در مسیر کامیابی شما دانش آموزان گرامی در آزمون ورودی دانشگاه باشد.



equip (v): آراستن، آماده کردن، ساز و برگ دادن

“The new school will be equipped with computers to improve the educational efficiency.”

achieve (v): دست یافتن، رسیدن، به پایان رساندن

“You’ll never achieve anything if you don’t work harder.”

measure (n,v): واحد اندازه گیری، چاره، برنامه، اقدام، اندازه گرفتن، پیمانه کردن، سنجیدن

“The Richter Scale is a measure of ground motion.”

“We have taken measures to limit smoking to one area in the building.”

“Will you please measure the wall to see if the bookshelves will fit?”

entrance (v): راه ورودی، راهرو

“The main entrance to the school building was overcrowded.”

realization (n): درک، فهم، تحقق، عملی شدن

“We finally came to the realization that the business wasn’t going to work.”

“The realization of a lifelong ambition relies on hard work and high spirit.”

procedure (n): روال، روند

“The company has new procedures for dealing with complaints.”

design (n,v): طرح، نقشه، طراحی کردن

“We’re working on designs for a new office building downtown.”

“The company is working on a video game specifically designed for children.”

devote (v): وقف کردن، اختصاص دادن، فداکردن

“He devotes much of his time to her family; he is an excellent family man.”

application (n): کاربرد، استفاده، درخواست

“The counselor will help students fill out college applications.”

instruction (n): آموزش، راهنمایی، دستورالعمل

“Follow the instructions on the back of the box and you will know how to run the machine.”

“She’s never had any formal instruction in music, but she is a marvelous pianist.”

کار کردن، به کار انداختن، جراحی کردن (v): operate

“We need to employ a team of technicians who are trained to operate the scanning equipment.”

“The engine seems to be operating very smoothly.”

“The surgeon that operated on his knee is now his close friend.”

همگانی، فراگیر، جهانی (adj): universal

“Food, like safety, is a subject of almost universal interest.”

“The new reforms have not met with universal approval within the government.”

جوابگو، مسئول (adj): accountable

If anything happens to Max, I'll hold you accountable.

فرا گرفتن ، محاصره کردن (v): surround

“We are moving to a lake house surrounded by lots of beautiful trees.”

ترفعی دادن، ترویج کردن، پشتیبانی کردن، تبلیغ کردن (v): promote

“The bureau's job is to promote tourism to the area.”

“Ted was promoted to senior sales manager last week.”

“The author went on a national tour to promote her latest book.”

پیشنهاد کردن (v): propose

“Mr. Smith, the president of our university, proposed that the rules be changed.”

روشن ، آشکار ، ساده (adj): explicit

“I gave her very explicit directions as to how to get here.”

بس، بسنده (adj): sufficient

“They had sufficient evidence to send him to prison.”

ساکن شدن (v): inhabit

“These remote islands are inhabited only by birds.”

رفتار، اجرا کردن (v,n): conduct

“I don't think it is right to conduct experiments on animals.”

“The book club has a strict code of conduct.”

extend (v): ادامه دادن، گسترش دادن، ادامه داشتن

“The path extends beyond the end of the road.”

“We have decided to extend our publishing of children books in the near future.”

smooth (adj): هموار، ملایم، صاف

“The river rocks had been worn smooth by the water.”

conscious (adj): هوشیار، بهوش، آگاه، باخبر

“When I was walking down the empty street I became conscious of the fact that someone was following me.”

“Owen was still conscious when they arrived at the hospital.”

beneficial (adj): سودمند

“The agreement will be beneficial to both groups.”

issue (n,v): موضوع، مسئله، انتشار دادن، به جریان انداختن

“Don’t worry about who will do it; that’s just a side issue.”

“The manager is expected to issue a statement later today for her employees.”

requirement (n): نیاز، نیازمندی

“The refugees’ main requirements are for food and shelter.”

enhance (v): بالا بردن، افزودن، زیاد کردن

“The company is looking to enhance its earnings potential.”

admire (v): پسند کردن، تحسین کردن، آفرین گفتن

“I admired her for having the courage to tell the truth.”

urgent (adj): ضروری، فوری

“She’s in urgent need of medical attention; we should take her to the hospital right now!”

relevant (adj): مربوط، مناسب، وابسته

“Make sure your comments during the interview are short and relevant.”

reflect (v): بازتابیدن، بازتاباندن، اندیشیدن

“We could see the mountains reflected in the calm stream.”

“People do that sort of thing every day, without ever stopping to reflect on the consequences.”



## گزیده ی نکات تستی گرامر به همراه واژگان ۱۳ سال کنکور سراسری (بخش دوم)

این مجموعه دارای دو بخش گرامر و واژگان است که با بررسی دقیق ۱۳ سال کنکور سراسری (۹۳-۸۱) گزینش شده است. در بخش گرامر، کوشیده شده است تا با پرداختن به مباحثی که اغلب در آزمون های سراسری مورد سؤال است، نکاتی شرح داده شود که از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و بتوان از آن ها برای هرچه راحت تر پاسخ دادن سوالات تستی استفاده کرد. بخش واژگان شامل لغات متوسط و دشوار است که در طی ۱۳ سال آزمون سراسری رشته ی منحصرأ زبان، چه به عنوان جواب تست و چه در صورت سؤال ها و گزینه ها، مورد استفاده قرار گرفته است. لازم به ذکر است که سطح دشواری این مجموعه به گونه ای در نظر گرفته شده است که متناسب با نیازهای تمامی دانش آموزان، چه دانش آموزان آزمون زبان تخصصی و چه دانش آموزان رشته های ریاضی، تجربی، انسانی و هنر، باشد. امید است این مجموعه بتواند گامی در مسیر کامیابی شما دانش آموزان گرامی در آزمون ورودی دانشگاه باشد.

ایران تونل  
توشه ای برای موفقیت

۱) شرطی نوع اول: درباره ی کاری که ممکن است در آینده رخ دهد یا ندهد.

ساختار شرطی نوع اول:

**if + present**

**will + infinitive**

در این ساختار می‌توان از صورت‌های مختلف زمان حال و یا افعال وجهی (modals) استفاده کرد. به نمونه‌های زیر توجه کنید.

“If John **studies**, he **will pass** the test.”

“If John **is studying**, he’s **going to pass** the test.”

“If John **has studied**, he **should pass** the test.”

“If John **has been studying**, he **might pass** the test.”

“If John **can study**, he **is ought to pass** the test.”

همچنین می‌توان در بند جواب شرط از جملات امری یا زمان حال ساده هم استفاده کرد.

“If it **is hot**, **open** the window.”

“If you **raise** the temperature, the water **boils**.”

استفاده از هر کدام از زمان‌های اشاره شده بر پایه ی مقصود گوینده/نویسنده است و می‌توان آن‌ها را با هم جایگزین کرد.

نکته: در این نوع شرطی می‌توان “if” را حذف کرد و فعل کمکی “should” را به اول جمله آورد. در این صورت جمله ی خبری دارای ساختار سؤالی می‌شود اما تغییری در معنای جمله به وجود نمی‌آید.

“**Should you** change your mind, .....” (= If you should change...)

۲) شرطی نوع دوم: در باره ی کاری که احتمال روی دادن آن در زمان حال (یا آینده) وجود ندارد. به بیان دیگر، برای شرایط فرضی، خیالی یا غیرواقعی.

ساختار شرطی نوع دوم:

**if + past**

**would + infinitive without to**

در این ساختار می‌توان از صورت‌های مختلف زمان گذشته و یا افعال وجهی استفاده کرد. به نمونه‌های زیر توجه کنید.

“If John **studied**, he **would pass** the test.”

“If John **was studying**, he **could pass** the test.”

“If John **could** study, he **might pass** the test.”

از “should” هم می‌توان به جای دیگر افعال وجهی استفاده کرد.

“If John **studied**, he **should pass** the test.”

نکته: در این نوع شرطی، بعد از “if” به جای “was” از “were” استفاده می‌کنیم.

“If I **were** rich, I **would spend** all my time traveling.”



نکته: در این نوع شرطی می‌توان "if" را حذف کرد و فعل کمکی "were" را به اول جمله آورد. در این صورت جمله ی خبری دارای ساختار سؤالی می‌شود اما تغییری در معنای جمله به وجود نمی‌آید.

**Were he home now, you could call him.**" (= If he were home now, ...)"

۳) شرطی نوع سوم: در مواردی که کاری در گذشته انجام نشده است و یا اتفاقی که امکان وقوع آن در زمان حال یا آینده دیگر وجود ندارد، به کار می‌رود. (گذشته ی غیر واقعی)

ساختار شرطی نوع سوم:

**if + past perfect**

**would have + past participle**

در این ساختار می‌توان به جای "would"، از "should"، "could" و "might" هم استفاده کرد.

**"If John had studied, he would have passed the test."**

**"If John had been studying, he could have passed the test."**

**"If John had studied, he should have passed the test."**

**"If John had been studying, he might have passed the test."**

نکته: : در این نوع شرطی می‌توان "if" را حذف کرد و فعل کمکی "had" را به اول جمله آورد. در این صورت جمله ی خبری دارای ساختار سؤالی می‌شود اما تغییری در معنای جمله به وجود نمی‌آید.

**"Had I known you wanted to talk to me, I wouldn't have left the office."** (= if I had known...)

نکته: در ساختار بالا، صورت منفی فعل، مخفف نمی‌شود.

**"Had we not missed the plane, we would all have been killed in the crash."** (NOT ~~Hadn't we missed...~~)

۴) شرطی ترکیبی: گاهی شرطی‌های غیر واقعی با هم ترکیب می‌شوند، به این معنی که زمان بند شرط با زمان بند جواب شرط، یکی نیست.

**PAST**

**PRESENT**

If I **had taken** French in high school, I **would have** more job opportunities.

(But I *didn't take* French in high school and I *don't have* many job opportunities.)

**PAST**

**FUTURE**

If she **had signed** up for the ski trip last week, she **would be joining** us tomorrow.

(But she *didn't sign up* for the ski trip last week and she *isn't going to join* us tomorrow.)

**PRESENT**

**PAST**

If Sam **spoke** Russian, he **would have translated** the letter for you.

(But Sam *doesn't speak* Russian and that is why he *didn't translate* the letter.)

**PRESENT**

**FUTURE**

If Dan **weren't** so nice, he **wouldn't be tutoring** you in math tonight.

(But Dan *is nice* and he *is going to tutor* you tonight.)

**FUTURE**

**PAST**

If I **weren't going** on my business trip next week, I **would have accepted** that new assignment at work.

(But I am going to go on a business trip next week, and that is why I didn't accept that new assignment at work.)

## FUTURE

## PRESENT

If Sandy **were giving** a speech tomorrow, she **would be** very nervous.

(But Sandy is not going to give a speech tomorrow and that is why she is not nervous.)

• نکات مهم دیگر:

(۱) در جملات شرطی غیر از "if" می‌توان از سایر ادوات شرط نیز استفاده کرد:

"provided/providing (that), on (the) condition (that), as/so long as, even if, if only, assuming (that), suppose/supposing (that), what if, imagine,..."

(۲) "unless" به معنی «مگر اینکه» و مترادف "if...not" می‌باشد.

"Come tomorrow **unless** I phone." (= **if** I do **not** phone.)

"unless" تنها می‌تواند در مواردی جایگزین "if...not" شود که مترادف "except if" باشد. اگر مفهوم "because...not" مد نظر باشد، "unless" به کار برده نمی‌شود.

"I'll drive over and see you, **unless** the car breaks down." (= ... **expect if** the car breaks down.)

"I'll be surprised **if** the car doesn't break down soon." (NOT I'll be surprised ~~unless the car breaks down soon~~ - I'll be surprised **because** it doesn't break down.)



ایران توشه

توشه ای برای موفقیت

## گزیده ی نکات تستی گرامر به همراه واژگان ۱۳ سال کنکور سراسری (بخش سوم)

این مجموعه دارای دو بخش گرامر و واژگان است که با بررسی دقیق ۱۳ سال کنکور سراسری (۹۳-۸۱) گزینش شده است. در بخش گرامر، کوشیده شده است تا با پرداختن به مباحثی که اغلب در آزمون های سراسری مورد سؤال است، نکاتی شرح داده شود که از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و بتوان از آن ها برای هرچه راحت تر پاسخ دادن سوالات تستی استفاده کرد. بخش واژگان شامل لغات متوسط و دشوار است که در طی ۱۳ سال آزمون سراسری رشته ی منحصرأ زبان، چه به عنوان جواب تست و چه در صورت سؤال ها و گزینه ها، مورد استفاده قرار گرفته است. لازم به ذکر است که سطح دشواری این مجموعه به گونه ای در نظر گرفته شده است که متناسب با نیازهای تمامی دانش آموزان، چه دانش آموزان آزمون زبان تخصصی و چه دانش آموزان رشته های ریاضی، تجربی، انسانی و هنر، باشد. امید است این مجموعه بتواند گامی در مسیر کامیابی شما دانش آموزان گرامی در آزمون ورودی دانشگاه باشد.



ایران توانمند  
توشه ای برای موفقیت

به طور کلی زمان در انگلیسی به چهار دسته‌ی حال، گذشته، آینده و آینده در گذشته تقسیم می‌شود، که هر یک شامل چهار گروه ساده،

استمراری، کامل ساده و کامل استمراری می‌باشد. در نتیجه در زبان انگلیسی ۱۶ زمان به شرح زیر وجود دارد:

حال ساده

گذشته استمراری

آینده کامل ساده

آینده در گذشته کامل استمراری

در این مبحث، از توضیح صورت‌های دیگر زمان آینده در گذشته به دلیل پیروی از قوانین زمان آینده و نیز همپوشانی داشتن با مباحث شرطی‌ها و نقل قول غیر مستقیم خودداری شده است.

۱- حال ساده:

..... + فعل ساده (مصدر بدون to) + فاعل

کاربرد زمان حال ساده:

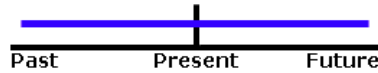
۱) بیان کارهای عادی و تکراری که معمولاً با قیود تکرار (... , sometimes, often, always, every day) همراه است.

X X X \* X X X  
Past Present Future

"Every twelve months, the Earth **circles** the Sun."

"When **does** the train usually **leave**?"

۲) بیان واقعیت و حقایق علمی. توجه کنید که لزومی ندارد مطلبی که گوینده فکر می کند درست است، حقیقت داشته باشد.



"Windows **are** made of glass."

"New York **is** a small city."

۳) کارهایی که در آینده ی نزدیک به طور قطع صورت می گیرند (مثل جدول زمانی).



"The train **leaves** tonight at 6 PM."

"When **does** class **begin** tomorrow?"

۴) کارهایی که در زمان حال یکی پس از دیگری روی می دهند. (first...then, after that)

"First I **get** up, then I **have** breakfast."

۵) بیان دستور العمل.

"**Open** your books at page 34."

۶) با افعال غیر حرکتی که اگرچه بیانگر مفهومی ادامه دار در زمان حال هستند، اما معمولاً با زمان حال استمراری به کار نمی روند. این

افعال شامل افعال حسی، افعال ربطی، و افعال مربوط به ادراک و تملک هستند. مانند:

"be, believe, belong, hate, hear, like, love, mean, prefer, remain, realize, see, seem, smell, think, understand, want, wish, ..."

"He **needs** help right now."

"**Do** you **have** your passport with you?"

ACTIVE: Once a week, Tom **cleans** the car.

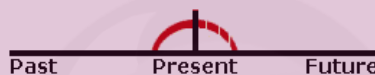
PASSIVE: Once a week, the car **is cleaned** by Tom.

۲- زمان حال استمراری:

..... + **ing** فعل + **am/ is/ are** + فاعل

کاربرد زمان حال استمراری:

(۱) بیان کارهایی که در لحظه ی صحبت در حال انجام شدن (یا نشدن) هستند.



“Peter **is reading** a book now.”

“Why **aren’t** you **doing** your homework?”

(۲) بیان کارهایی که قرار است به طور قطع در آینده ی نزدیک انجام شوند.



“I **am meeting** some friends after work.”

(۴) بیان کارهای طولانی تر و ادامه داری که در هر زمانی ممکن است انجام شوند و الزاماً در همان لحظه ی صحبت در حال رخ دادن

نیستند.

“I **am studying** to become a doctor.”

**Are you working** on any special projects at work?

“More and more people **are using** their computers to listen to music.”

۶) به همراه “always”، برای بیان کارهایی که مرتب تکرار می‌شوند و برای گوینده آزاردهنده هستند.



“I don’t like them because they **are always complaining**.”

ساختار معلوم/مجهول:

ACTIVE: Right now, Tom **is writing** the letter.

PASSIVE: Right now, the letter **is being written** by Tom.

ایران تونل  
توشه ای برای موفقیت





ایران توشه

توشه ای برای موفقیت

## گزیده ی نکات تستی گرامر به همراه واژگان ۱۳ سال کنکور سراسری (بخش چهارم)

این مجموعه دارای دو بخش گرامر و واژگان است که با بررسی دقیق ۱۳ سال کنکور سراسری (۹۳-۸۱) گزینش شده است. در بخش گرامر، کوشیده شده است تا با پرداختن به مباحثی که اغلب در آزمون های سراسری مورد سؤال است، نکاتی شرح داده شود که از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و بتوان از آن ها برای هرچه راحت تر پاسخ دادن سوالات تستی استفاده کرد. بخش واژگان شامل لغات متوسط و دشوار است که در طی ۱۳ سال آزمون سراسری رشته ی منحصرأ زبان، چه به عنوان جواب تست و چه در صورت سؤال ها و گزینه ها، مورد استفاده قرار گرفته است. لازم به ذکر است که سطح دشواری این مجموعه به گونه ای در نظر گرفته شده است که متناسب با نیازهای تمامی دانش آموزان، چه دانش آموزان آزمون زبان تخصصی و چه دانش آموزان رشته های ریاضی، تجربی، انسانی و هنر، باشد. امید است این مجموعه بتواند گامی در مسیر کامیابی شما دانش آموزان گرامی در آزمون ورودی دانشگاه باشد.



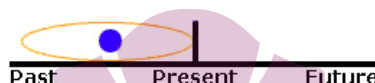
ایران توانمند  
توشه ای برای موفقیت

۳- زمان حال کامل:

have/has + p.p. + .....

کاربرد زمان حال کامل:

(۱) بیان کاری که در گذشته ای نامعلوم صورت گرفته است. از این زمان برای بیان تجربیات، تغییرات تدریجی، دستاوردها، کارهای ناتمامی که گوینده انتظار دارد روی دهند و همچنین کارهایی که چندین بار طی زمانهای مختلف اتفاق افتاده است، استفاده می شود.



*Experience:* I think I **have seen** that movie before.

*Change Over Time:* The government **has become** more interested in arts education.

*Accomplishments :* Doctors **have cured** many deadly diseases.

*An Uncompleted Action You Are Expecting:* Bill **has still not arrived**.

*Multiple Actions at Different Times:* We **have had** many major problems while working on this project.

(۲) بیان کارهایی که به تازگی به پایان رسیده اند.

“He **has just played** handball.” (*It is over now.*)

(۳) به همراه افعالی که حالت استمرار ندارند، برای بیان کاری که در گذشته انجام شده و تا زمان حال ادامه داشته باشد. در این حالت معمولاً یکی از حروف اضافه ی “since” یا “for” به کار می رود.



“Mary **has loved** chocolate since she was a little girl.”

ساختار معلوم/مجهول:

ACTIVE: Many tourists **have visited** that castle.

PASSIVE: That castle **has been visited** by many tourists.

۴- زمان حال کامل استمراری:

have/has + been + ing فعل + .....

کاربرد زمان حال کامل استمراری:

(۱) بیان اعمالی که در گذشته شروع شده و به زمان حال رسیده و همچنان در حال انجام شدن است. تأکید بر خود عمل است نه نتیجه ی آن.



“What **have** you **been doing** for the last 30 minutes?”

“James **has been teaching** at the university since June.”

(۲) بدون ذکر مدت انجام آن کار، برای بیان کاری که اخیراً انجام شده است. معمولاً با “lately” یا “recently” همراه است.



“She **has been watching** too much television lately.”

“Mary **has been feeling** a little depressed.”

ساختار معلوم / مجهول:

ACTIVE: Recently, John **has been doing** the work.

PASSIVE: Recently, the work **has been being done** by John.

۵- زمان گذشته ی ساده:

..... + زمان گذشته ی فعل + فاعل

کاربرد زمان گذشته ی ساده:

(۱) بیان کاری که در گذشته ی معینی شروع شده و پایان یافته است.



“I **saw** a movie yesterday.”

(۲) بیان زنجیره ای از کارهایی که در گذشته انجام شده است.



“He **arrived** from the airport at 8:00, **checked** into the hotel at 9:00, and **met** the others at 10:00.”

(۴) کاری که در گذشته به صورت مکرر انجام شده است.



“She **worked** at the movie theater after school.”

(۳) به همراه زمان گذشته ی استمراری؛ بیان کاری در گذشته که یک عمل ادامه دار در گذشته (گذشته ی استمراری) را قطع کرده است.

“They **were having** dinner when the telephone **rang**.”

(۶) بیان حقایق کلی در گذشته.



“People **paid** much more to make cell phone calls in the past.”

ساختار معلوم / مجهول:

ACTIVE: Tom **repaired** the car.

PASSIVE: The car **was repaired** by Tom.

نکته: ساختار "فعل ساده + used to" برای بیان عادات و وضعیت‌هایی به کار می‌رود که برای مدتی در گذشته وجود داشته اند اما اکنون موجود نیستند.

"I **used to** smoke, but now I've stopped."

طرز منفی و سؤالی کردن "used to":

اغلب برای سؤالی و منفی کردن، به جای "did...use" از "did...used" استفاده می‌شود. حالت رایج تر منفی کردن این جمله‌ها، کاربرد "never" می‌باشد.

"What **did** people **use(d) to do** in the evening before TV?"

"I **didn't use(d) to like** opera, but now I do."

"I **never used** to like opera."





ایران توشه

توشه ای برای موفقیت

## گزیده ی نکات تستی گرامر به همراه واژگان ۱۳ سال کنکور سراسری (بخش پنجم)

این مجموعه دارای دو بخش گرامر و واژگان است که با بررسی دقیق ۱۳ سال کنکور سراسری (۹۳-۸۱) گزینش شده است. در بخش گرامر، کوشیده شده است تا با پرداختن به مباحثی که اغلب در آزمون های سراسری مورد سؤال است، نکاتی شرح داده شود که از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و بتوان از آن ها برای هرچه راحت تر پاسخ دادن سوالات تستی استفاده کرد. بخش واژگان شامل لغات متوسط و دشوار است که در طی ۱۳ سال آزمون سراسری رشته ی منحصرأ زبان، چه به عنوان جواب تست و چه در صورت سؤال ها و گزینه ها، مورد استفاده قرار گرفته است. لازم به ذکر است که سطح دشواری این مجموعه به گونه ای در نظر گرفته شده است که متناسب با نیازهای تمامی دانش آموزان، چه دانش آموزان آزمون زبان تخصصی و چه دانش آموزان رشته های ریاضی، تجربی، انسانی و هنر، باشد. امید است این مجموعه بتواند گامی در مسیر کامیابی شما دانش آموزان گرامی در آزمون ورودی دانشگاه باشد.

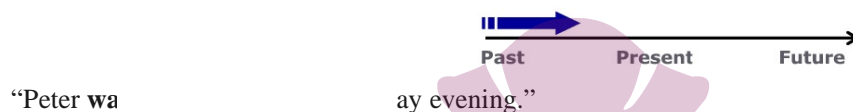


ایران توانمند  
توشه ای برای موفقیت

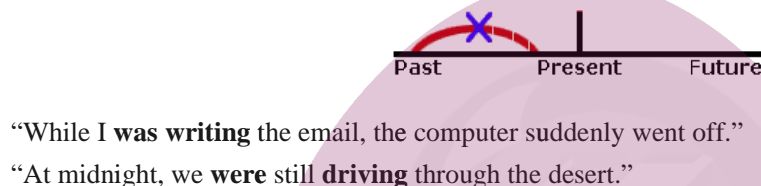
..... + ing فعل + was/were + فاعل

کاربرد زمان گذشته ی استمراری:

(۱) بیان کاری که در زمان یا دوره ی معینی در گذشته ادامه داشته است.



(۲) به همراه زمان گذشته ی ساده، برای بیان کار ادامه داری در گذشته که توسط کار دیگری یا زمان معینی قطع شده است.



(۳) بیان کارهایی که همزمان با هم در گذشته مدتی ادامه داشته اند.



(۴) از زمان گذشته ی  
نیز برای بیان کارهایی که مرتب تکرار می شده اند و برای گوینده آزاردهنده هستند، استفاده می شود ( به همراه قیود ... , always, constantly, forever, ...).



“He was constantly talking. He annoyed everyone.”

ساختار معلوم/مجهول:

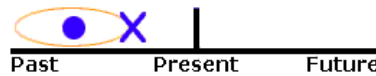
ACTIVE: The salesman **was helping** the customer when the thief came into the store.PASSIVE: The customer **was being helped** by the salesman when the thief came into the store.



..... + **had** + **p.p.** + فاعل

کاربرد زمان گذشته ی کامل:

(۱) بیان کاری که قبل از کار دیگری یا زمان معینی در گذشته انجام شده باشد.



“She only understood the movie because she **had read** the book.”

“Kristine **had never been** to an opera before last night.”

(۲) به همراه زمان گذشته ی ساده، برای بیان کاری که قبل از کار دیگری در گذشته انجام گرفته است.



“Mary **had read** the book before she watched a film.”

“After Amy **had gone** home it started to rain.”

(۳) همچنین برای بیان مدت زمانی که عملی در گذشته طول کشیده است؛ این کاربرد معادل زمان حال کامل است و با افعالی که حالت استمراری ندارند (be, have, know,...) به کار می‌رود.



“She told me that her father **had been ill** since Christmas.”

“By the time Alex finished his studies, he **had been** in London for over eight years.”

ساختار معلوم/مجهول:

ACTIVE: George **had repaired** many cars before he received his mechanic’s license.

PASSIVE: Many cars **had been repaired** by George before he received his mechanic’s license.

۸- زمان گذشته ی کامل استمراری:

توضیحاتی برای موفقیت

..... + **ing** فعل + **been** + **had** + فاعل

کاربرد زمان گذشته ی کامل استمراری:

(۱) بیان کاری که قبل از عمل یا زمانی در گذشته مدتی ادامه داشته است.



“She **had been working** at that company for three years when it went out of business.”

(۲) بیان علت و معلول در گذشته.

“Sam gained weight because he **had been overeating.**”

ساختار معلوم/مجهول:

ACTIVE: Chef Jones **had been preparing** the restaurant’s fantastic dinners for two years before he moved to Paris.

PASSIVE: The restaurant’s fantastic dinners **had been being prepared** by Chef Jones for two years before he moved to Paris.



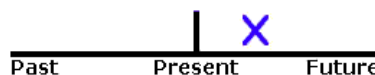
## گزیده ی نکات تستی گرامر به همراه واژگان ۱۳ سال کنکور سراسری (بخش ششم)

این مجموعه دارای دو بخش گرامر و واژگان است که با بررسی دقیق ۱۳ سال کنکور سراسری (۹۳-۸۱) گزینش شده است. در بخش گرامر، کوشیده شده است تا با پرداختن به مباحثی که اغلب در آزمون های سراسری مورد سؤال است، نکاتی شرح داده شود که از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و بتوان از آن ها برای هرچه راحت تر پاسخ دادن سوالات تستی استفاده کرد. بخش واژگان شامل لغات متوسط و دشوار است که در طی ۱۳ سال آزمون سراسری رشته ی منحصرأ زبان، چه به عنوان جواب تست و چه در صورت سؤال ها و گزینه ها، مورد استفاده قرار گرفته است. لازم به ذکر است که سطح دشواری این مجموعه به گونه ای در نظر گرفته شده است که متناسب با نیازهای تمامی دانش آموزان، چه دانش آموزان آزمون زبان تخصصی و چه دانش آموزان رشته های ریاضی، تجربی، انسانی و هنر، باشد. امید است این مجموعه بتواند گامی در مسیر کامیابی شما دانش آموزان گرامی در آزمون ورودی دانشگاه باشد.

ایران تونل  
توشه ای برای موفقیت

..... + فعل ساده (مصدر بدون to) + **will/shall** + فاعل

..... + فعل ساده + **am/is/are + going to** + فاعل



### کاربرد "will":

(۱) بیان اعمالی که در آینده بدون قصد و اراده ی گوینده انجام شوند (جشن تولد، آب و هوا، ...)

"The sun **will shine** tomorrow."

"Peter **will be** 15 next Tuesday."

(۲) بیان امیدها، تردیدها، انتظارات و افکار مربوط به آینده (بعد از افعال believe, doubt, expect, hope, be afraid, ...)

"I think Sue **will arrive** in Paris at 6 p.m."

(۳) تصمیم گیری به انجام کاری که از قبل برای آن برنامه ریزی نشده است.

"Hang on! I **ll have** a word with you."

(۴) قول به انجام یا عدم انجام کاری دادن:

"I promise I **will not tell** him about the surprise party."

"I **won't tell** anyone your secret."

### کاربرد "be going to":

(۱) بیان کاری در آینده که از قبل برای آن برنامه ریزی شده است.

"Michelle **is going to begin** medical school next year."

(۲) بیان عملی در آینده که گوینده نسبت به وقوع آن اطمینان دارد.

"Look at that car! It **is going to crash** into the yellow one."

نکته: برای پیش بینی وقایع در آینده، می‌توان از هر دو ساختار "will" و "be going to" استفاده کرد.

"The movie "Zenith" **will win** several Academy Awards."

"The movie "Zenith" **is going to win** several Academy Awards."

ACTIVE: John **will finish** the work by 5:00 p.m.

PASSIVE: The work **will be finished** by 5:00 p.m.

ACTIVE: Sally **is going to make** a beautiful dinner tonight.

PASSIVE: A beautiful dinner **is going to be made** by Sally tonight.

۱۰- زمان آینده ی استمراری:

..... + **ing** فعل + **be** + **going to** / **shall** / **will** + فاعل

کاربرد زمان آینده ی استمراری:

(۱) بیان کاری که در زمان یا دوره ی معینی از آینده در حال انجام باشد.

“When I come to school, the other kids **will be waiting** for me.”

(۲) بیان کاری که به صورت روزمره انجام خواهد شد.

“We’ll **be going** to the movies on Saturday.”

(۳) بیان کاری ادامه دار که توسط عمل یا زمان معینی در آینده قطع شود.



“I **will be watching** TV when she arrives tonight.”

“At midnight tonight, we **will still be driving** through the desert.”

(۴) بیان دو کار همزمان در آینده.



“I **am going to be studying** and he **is going to be making** dinner.”

ساختار معلوم/مجهول:

ACTIVE: At 8:00 p.m. tonight, John **will be washing** the dishes.

PASSIVE: At 8:00 p.m. tonight, the dishes **will be being washed** by John.

ACTIVE: At 8:00 p.m. tonight, John **is going to be washing** the dishes.

PASSIVE: At 8:00 p.m. tonight, the dishes **are going to be being washed** by John.



ایران توشه  
توشه ای برای موفقیت

## گزیده ی نکات تستی گرامر به همراه واژگان ۱۳ سال کنکور سراسری (بخش هفتم)

این مجموعه دارای دو بخش گرامر و واژگان است که با بررسی دقیق ۱۳ سال کنکور سراسری (۹۳-۸۱) گزینش شده است. در بخش گرامر، کوشیده شده است تا با پرداختن به مباحثی که اغلب در آزمون های سراسری مورد سؤال است، نکاتی شرح داده شود که از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و بتوان از آن ها برای هرچه راحت تر پاسخ دادن سوالات تستی استفاده کرد. بخش واژگان شامل لغات متوسط و دشوار است که در طی ۱۳ سال آزمون سراسری رشته ی منحصرأ زبان، چه به عنوان جواب تست و چه در صورت سؤال ها و گزینه ها، مورد استفاده قرار گرفته است. لازم به ذکر است که سطح دشواری این مجموعه به گونه ای در نظر گرفته شده است که متناسب با نیازهای تمامی دانش آموزان، چه دانش آموزان آزمون زبان تخصصی و چه دانش آموزان رشته های ریاضی، تجربی، انسانی و هنر، باشد. امید است این مجموعه بتواند گامی در مسیر کامیابی شما دانش آموزان گرامی در آزمون ورودی دانشگاه باشد.



۱۱- زمان آینده ی کامل:

فاعل + **will/shall/ be going to + have + p.p. + .....**

نکته: استفاده از "will" یا "be going to" در این زمان تفاوت معنایی زیادی ایجاد نمی‌کند.

کاربرد زمان آینده ی کامل:

(۱) بیان تکمیل کاری قبل از زمان یا کار دیگری در آینده.

"By next November, I **will have received** my promotion.""Will she **have learned** enough Chinese to communicate before she *moves* to Beijing?""Sam **is probably going to have completed** the proposal by the time he *leaves* this afternoon."

نکته: توجه کنید که در عبارات زمانی (عباراتی که با قیود زمان شروع می‌شوند) نمی‌توان از زمان آینده استفاده کرد. در نتیجه، در دو مثال بالا، زمان افعال "moves" و "leaves" به جای آینده ی ساده، حال ساده است.

(۲) به همراه افعالی که حالت استمرار ندارند، برای بیان کاری که در گذشته آغاز شده و پس از مدتی در آینده به پایان خواهد رسید.

"I **will have been** in London for six months by the time I leave.""By Monday, Susan **is going to have had** my book for a week."

ساختار معلوم/مجهول:

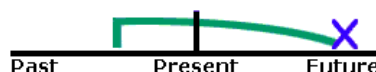
ACTIVE: They **will have completed** the project before the deadline.PASSIVE: The project **will have been completed** before the deadline.ACTIVE: They **are going to have completed** the project before the deadline.PASSIVE: The project **is going to have been completed** before the deadline.

۱۲- زمان آینده ی کامل استمراری:

فاعل + **will/shall/ be going to + have been + فعل ing + .....**

کاربرد زمان آینده ی کامل استمراری:

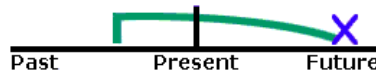
(۱) بیان تکمیل یک کار ادامه دار پیش از زمان یا کار دیگری در آینده که معمولاً با حروف اضافه ی "for" یا "since" همراه است.

"She **is going to have been working** at that company for three years when it finally closes."



“How long **will you have been studying** when you graduate?”

۲) بیان علت چیزی در آینده.



“Jason will be tired when he gets home because he **will have been jogging** for over an hour.”

“Claudia’s English will be perfect when she returns to Germany because she **is going to have been studying** English in the United States for over two years.”

ساختار معلوم/مجهول:

ACTIVE: The famous artist **will have been painting** the mural for over six months by the time it is finished.

PASSIVE: The mural **will have been being painted** by the famous artist for over six months by the time it is finished.

ACTIVE: The famous artist **is going to have been painting** the mural for over six months by the time it is finished.

PASSIVE: The mural **is going to have been being painted** by the famous artist for over six months by the time it is finished.

۱۳- زمان آینده در گذشته ی ساده:

زمان آینده در گذشته می‌تواند مانند زمان آینده ی ساده با دو ساختار متفاوت به کار رود: “would” و “was/were going to”. اگرچه این دو ساختار گاهی به جای هم به کار می‌روند، اما اغلب دارای تفاوت معنایی هستند.

ساختار “would”:

..... + فعل ساده (مصدر بدون to) + would/should + فاعل

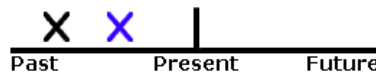
“I knew you **would(not) help** him.”

ساختار “was/were going to”:

..... + فعل ساده (مصدر بدون to) + was/were + going to + فاعل

“I knew you **were(not) going to go** to the party.”

کاربرد زمان آینده در گذشته ی ساده:



این زمان برای بیان کاری که در گذشته، گوینده فکر می‌کرده است در آینده روی می‌دهد، به کار می‌رود و اهمیتی ندارد که آن کار در آینده اتفاق افتاده باشد یا خیر. زمان آینده در گذشته از همان قوانین زمان آینده ی ساده پیروی می‌کند، به این صورت که “would” برای بیان تمایل یا عدم تمایل به انجام کاری و تصمیم‌گیری در مورد انجام کاری در لحظه ی گفتگو (voluntary action) به کار می‌رود و از “was going to” برای بیان کاری که در آینده با قصد قبلی همراه است، استفاده می‌شود. هر دو ساختار را می‌توان برای پیش‌بینی وقوع کاری در آینده به کار برد.

PLAN: I told you he **was going to come** to the party.

VOLUNTARY ACTION: I knew Julie **would make** dinner.

PLAN: Jane said Sam **was going to bring** his sister with him, but he came alone.

PREDICTION: I had a feeling that the vacation **was going to be** a disaster.

PROMISE: He promised he **would send** a postcard from Egypt.

نکته: توجه کنید که در عبارات زمانی از زمان آینده استفاده نمی‌شود. در نتیجه، بعد از قیود زمانی ( when, while, before, after, )  
by the time, as soon as, if, unless,... به جای زمان آینده در گذشته ی ساده از زمان گذشته ی ساده استفاده می‌شود.

“I already told Mark that when he **would arrive**, we would go out for dinner.” *Not Correct*

“I already told Mark that when he **arrived**, we would go out for dinner.” *Correct*

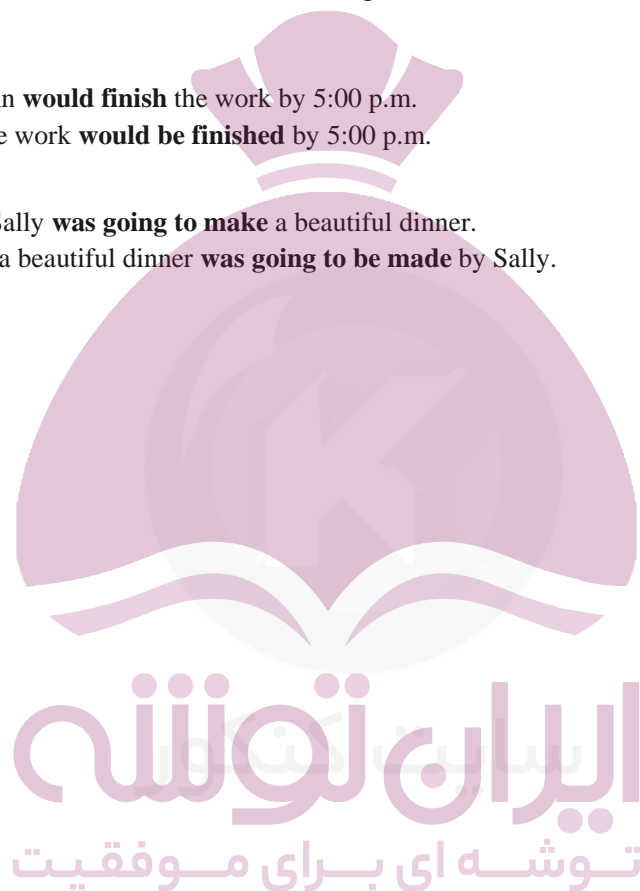
ساختار معلوم / مجهول:

ACTIVE: I knew John **would finish** the work by 5:00 p.m.

PASSIVE: I knew the work **would be finished** by 5:00 p.m.

ACTIVE: I thought Sally **was going to make** a beautiful dinner.

PASSIVE: I thought a beautiful dinner **was going to be made** by Sally.





ایران توشه

توشه ای برای موفقیت

## گزیده ی نکات تستی گرامر به همراه واژگان ۱۳ سال کنکور سراسری (بخش هشتم)

این مجموعه دارای دو بخش گرامر و واژگان است که با بررسی دقیق ۱۳ سال کنکور سراسری (۹۳-۸۱) گزینش شده است. در بخش گرامر، کوشیده شده است تا با پرداختن به مباحثی که اغلب در آزمون های سراسری مورد سؤال است، نکاتی شرح داده شود که از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و بتوان از آن ها برای هرچه راحت تر پاسخ دادن سوالات تستی استفاده کرد. بخش واژگان شامل لغات متوسط و دشوار است که در طی ۱۳ سال آزمون سراسری رشته ی منحصرأ زبان، چه به عنوان جواب تست و چه در صورت سؤال ها و گزینه ها، مورد استفاده قرار گرفته است. لازم به ذکر است که سطح دشواری این مجموعه به گونه ای در نظر گرفته شده است که متناسب با نیازهای تمامی دانش آموزان، چه دانش آموزان آزمون زبان تخصصی و چه دانش آموزان رشته های ریاضی، تجربی، انسانی و هنر، باشد. امید است این مجموعه بتواند گامی در مسیر کامیابی شما دانش آموزان گرامی در آزمون ورودی دانشگاه باشد.



ایران توانمند  
توشه ای برای موفقیت

• کاربرد حرف تعریف معین "The":

(۱) پیش از اسمی که برای گوینده و شنونده معلوم باشد.

"What did you do with **the coffee** I bought?"

(۲) پیش از اسامی منحصر به فرد (the sun, the moon, the world, the universe, the future, the government, ...)

"People used to think **the earth** was flat."

(۳) پیش از صفات و قیود عالی، چون از بین گروهی که مد نظر است، تنها یکی دارای صفت برترین است. به همین دلیل نیز معمولاً قبل از

"first, next, last, same, only, ..." از حرف تعریف "the" استفاده می‌شود.

"I'm **the oldest** in my family."

(۴) بعد از یک اسم مخصوص، برای اینکه نشان دهیم منظور ما شخص معروفی است.

"I'd like you to meet Cathy Parker, **the novelist**."

(۵) پیش از اسامی مفرد قابل شمارش برای اشاره ی کلی، مانند اسامی اختراعات، آلات موسیقی و...

"Life would be quieter without **the telephone**."

(۶) صحبت از یک گروه خاص به عنوان یک واحد شناخته شده (دقت کنید که در مورد اشاره ی کلی به اعضای یک گروه از حرف تعریف استفاده نمی‌شود).

"**The railways** are getting more and more unreliable."

اما:

"It's difficult for **railways** to make a profit."

(۷) پیش از محیط‌های فیزیکی (the town, the country, the seaside, the rain, the night, the weather,...)

"My husband loves **the seaside**, but I prefer **the mountains**."

(۸) پیش از اسامی مفرد قابل شمارشی که بخشی از زندگی روزمره هستند. در این حالت منظور چیزی نیست که برای شنونده شناخته شده باشد، بلکه منظور آن است که دیگران نیز آنچه را که در موردش حرف می‌زنیم، تجربه کرده اند. مانند "the bus, the

hairdresser, the bath, the newspaper,..."

"I have some of my best ideas when I am on **the bus**."

"Most of my friends go to **the hairdresser** two or three times a month."

(۹) پیش از اسامی دریاها (the Atlantic)، رشته کوه‌ها (the Himalayas)، مجموعه جزایر (the West Indies)، رودخانه‌ها (the Rhine)، بیابان‌ها (the Sahara)، بیشتر هتل‌ها (the Grand Hotel)، بیشتر سینماها و تئاترها (the Odeon) و بیشتر موزه‌ها (the British Museum).

(۱۰) پیش از اسامی زمان:

الف) "the beginning, the middle, the end,..."

ب) “the past, the present, the future” اما “at present”

ج) “in the morning, in the afternoon, in the evening” اما “at noon, at midnight”

د) “in the winter, in the spring,...” (اگر مفهوم کلی مد نظر باشد “the” معمولاً حذف می‌شود.)

نکته: “the” پیش از اسامی اعیاد به کار نمی‌رود:

“Thanksgiving, Christmas, Easter” اما “the Fourth of July”.

۱۱) پیش از قیود مکان: “the top, the bottom, the middle, the back, the outside,...”

نکته: “the” با اسم‌هایی که به مکان خاصی در محیط اشاره می‌کنند، به کار نمی‌رود:

“church, school, college, prison, jail, home, downtown,...”

اما “the university”

۱۲) در ساختارهای دارای دو صفت تفضیلی:

“The greater the challenge is, the more she likes it.”

۱۳) پیش از اسامی مکان‌ها:

“the Soviet Union, the United Kingdom, the British Commonwealth” (الف)

ب) اسامی خاص با “of”:

“the Republic of China, the Gulf of Mexico, the State of New York”

ج) اسامی جمع:

“The United States, the Rocky Mountains, the Great Lakes”

د) نقاط خاصی در کره ی زمین:

“the North Pole, the equator, the Southern Hemisphere”

۱۴) با واحد اندازه گیری به همراه “by”:

“Do you sell eggs **by the kilo** or **by the dozen**?”

اما:

“sixty pence a kilo, thirty miles an hour, twice a week,...”

• کاربرد حرف تعریف نامعین “a/an”:

۱) صحبت از یک شخص یا یک چیز:

“My brother’s married to a **doctor**.”

۲) پیش از اسامی مفرد قابل شمارش برای بیان مفهوم کلی:

“A **doctor** must like people.”

“A glider is **a plane** with no engine”

۴) برای توصیف اسامی:

“That was **a lovely evening**.”

۵) در جملات تعجیبی بعد از “what”:

“**What a lovely dress!**” اما “**What nonsense!**” “a/an” به همراه کلمات غیرقابل شمارش به کار نمی‌رود.

• مواردی که حروف تعریف به کار نمی‌رود:

۱) پیش از اسامی جمع و اسامی غیرقابل شمارش در مفهوم کلی:

“As a doctor, he usually works long **hours**.”

“Her coat is made of pure **wool**.”

۲) به همراه برخی اصطلاحات رایج:

“by day, at night, by bus, on foot, by mail,...”

نکته: در جملات زیر، به تفاوت معنایی هنگام استفاده و عدم استفاده از حرف تعریف توجه کنید:

“I met her **at college**.” (when we were students)

“I’ll meet you **at the college**.” (The college is just a meeting place.)

۳) با اسمی که قبل از آن یک صفت ملکی، صفت اشاره، یا یک صفت کمی بیاید.

“John’s coat, this magazine, some money,...”

۴) قبل از “زمان + last/next”:

“Where were you **last Saturday**?”

۵) معمولاً بعد از “both” و “all”:

“**Both (the) children** are good at math.”

“**All (the) three** brothers were arrested.”

همچنین: “all day, all night, all week,...”

۶) قبل از اسامی قاره‌ها، کشورها، ایالات، وزارتات، شهرها، خیابان‌ها، دریاچه‌ها:

“Africa, Brazil, Texas, Oxford, New Street, Lake Michigan,...”

۷) قبل از رشته‌های تحصیلی:

“history, chemistry, music, economics, English,...”

نکته: اگر رشته‌ی تحصیلی در توصیف یک اسم دیگر بیاید، از حرف تعریف استفاده می‌شود.

“She’s taking **a chemistry course**.”



ایران توشه  
توشه ای برای موفقیت



## گزیده ی نکات تستی گرامر به همراه واژگان ۱۳ سال کنکور سراسری (بخش نهم)

این مجموعه دارای دو بخش گرامر و واژگان است که با بررسی دقیق ۱۳ سال کنکور سراسری (۹۳-۸۱) گزینش شده است. در بخش گرامر، کوشیده شده است تا با پرداختن به مباحثی که اغلب در آزمون های سراسری مورد سؤال است، نکاتی شرح داده شود که از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و بتوان از آن ها برای هرچه راحت تر پاسخ دادن سوالات تستی استفاده کرد. بخش واژگان شامل لغات متوسط و دشوار است که در طی ۱۳ سال آزمون سراسری رشته ی منحصرأ زبان، چه به عنوان جواب تست و چه در صورت سؤال ها و گزینه ها، مورد استفاده قرار گرفته است. لازم به ذکر است که سطح دشواری این مجموعه به گونه ای در نظر گرفته شده است که متناسب با نیازهای تمامی دانش آموزان، چه دانش آموزان آزمون زبان تخصصی و چه دانش آموزان رشته های ریاضی، تجربی، انسانی و هنر، باشد. امید است این مجموعه بتواند گامی در مسیر کامیابی شما دانش آموزان گرامی در آزمون ورودی دانشگاه باشد.



ایران توانمند  
توشه ای برای موفقیت

در این مبحث تنها به بررسی افعالی می‌پردازیم که فعل بعد از آن‌ها هم به صورت "ing" دار و هم به صورت مصدر با "to" یا بدون "to" به کار می‌رود و تفاوت معنایی ایجاد می‌کند.

(۱) "remember" و "forget":

به همراه "ing": به گذشته اشاره دارد؛ به کارهایی که در گذشته انجام شده است. "forget...ing" اغلب به صورت عبارت "I'll never forget...ing" و دیگر اصطلاحات با معانی مشابه به کار می‌رود.

I still **remember buying** my first bicycle.

I'll never **forget meeting** the Queen.

به همراه مصدر با "to": به آینده اشاره دارد؛ به کارهایی که شخص در لحظه‌ی به یاد آوردن یا فراموش کردن هنوز باید انجام دهد یا انجام می‌داده است.

You must **remember to fetch** Mr. Lewis from the station tomorrow.

I **forgot to buy** the soap.

(۲) "go on":

به همراه "ing": به معنی "ادامه دادن".

She **went on talking** about her illness until we all went to sleep.

به همراه مصدر با "to": به تغییر فعالیت اشاره دارد.

She stopped talking about that and **went on to describe** her other problems.

(۳) "regret":

به همراه "ing": به گذشته اشاره دارد؛ به کاری که شخص از انجام آن پشیمان است.

I **regret leaving** school at 14; it was a big mistake.

به همراه مصدر با "to": اغلب در مورد اعلام اخبار ناخوشایند به کار می‌رود.

We **regret to inform** passengers that the 14.50 train is one hour late.

(۴) "advise", "permit", "allow" و "permit":

در وجه معلوم و در صورت نداشتن مفعول، فعل دوم بعد از این افعال به صورت "ing" دار به کار می‌رود. در صورت وجود مفعول، فعل دوم به صورت مصدر با "to" به کار می‌رود.

"I wouldn't **advise taking** the car; there's nowhere to park."

"I wouldn't **advise you to take** the car; there's nowhere to park."

"We don't **allow/permit smoking** in the lecture room."

"We don't **allow/permit people to smoke** in the lecture room."

“The headmistress has **forbidden singing** in the corridors.”

“The headmistress has **forbidden children to sing** in the corridors.”

به صورت‌های مجهول این جملات توجه کنید:

“**Smoking** is not allowed/permitted in the lecture room.”

“**People** are not allowed **to smoke** in the lecture room.”

“**Singing** is forbidden.”

“**Children** are forbidden **to sing**.”

“Early **booking** is advised.”

“**Passengers** are advised **to book** early.”

(۵) “hear”، “watch” و “see”:

بعد از این افعال، تفاوت بین “ing + مفعول” و “مصدر بدون to + مفعول” مثل تفاوت بین زمان‌های استمراری با زمان‌های ساده است. صورت “ing” دار بیانگر این است که شخص به کارهایی که در آن لحظه در حال روی دادن هستند توجه می‌کند. ساختار مصدر بدون “to” اغلب به کارهای تمام شده ای اشاره می‌کند که از ابتدا تا انتها دیده یا شنیده شده اند.

“I looked out of the window and **saw Mary crossing** the road.”

“I **saw Mary cross** the road and disappear into the post office.”

“As I passed his house I **heard him practicing** the piano.”

“I once **heard Brendel play** all the Beethoven concertos.”

(۶) “try”:

به همراه “ing”: به معنی امتحان کردن؛ کاری را انجام می‌دهیم تا نتیجه ی آن را ببینیم.

“I **tried sending** her flowers, **writing** her letters, **giving** her presents, but she still wouldn’t speak to me.”

به همراه “ing” یا مصدر با “to”: به معنی تلاش کردن برای انجام یک کار دشوار.

“I **tried to change** the wheel, but my hands were too cold.”

“I **tried changing** the wheel, but my hands were too cold.”

(۷) “mean”:

به همراه “ing”: مترادف “involve” یا “have as a result”، به معنی “متضمن بودن”.

“If you want to pass the exam, it will **mean studying** hard.”

به همراه مصدر با “to”: مترادف “intend”، به معنی “قصد داشتن”.

“I don’t think she **means to get** married for the moment.”

(۸) “stop”:

بعضی از افعال مانند “stop” که فعل بعد از آن‌ها به صورت “ing” دار به کار می‌رود، می‌توانند در ساختار “مصدر با to + فعل” برای بیان هدف و منظور نیز به کار روند.

“I **stopped running**.” (NOT...I ~~stopped to run~~.)

“I **stopped to rest**.” (= ... in order to rest.)

(۹) “be afraid”:

"I don't like to drive fast because I'm **afraid of crashing**."

در موارد دیگر می‌توان از هر دو ساختار "afraid of +-ing" یا "مصدر با to + afraid" بدون ایجاد تفاوت معنایی استفاده کرد.

"I'm not **afraid of telling/ to tell** her the truth."

۱۰) "sorry":

ساختارهای "sorry for/about +-ing" یا "مصدر کامل با to + sorry" برای اشاره به کارهایی در گذشته که شخص از انجام آنها پشیمان است به کار می‌رود.

"I'm **sorry for/about losing** my temper this morning."

"I'm **sorry to have woken** you up."

ساختار "مصدر با to + sorry" برای عذرخواهی کردن در مورد وضعیت کنونی به کار می‌رود.

"I'm sorry to tell you that you failed the exam."

۱۱) "certain" و "sure":

ساختار "certain/sure of +-ing" برای اشاره به احساسات شخصی که گوینده دارد در موردش حرف می‌زند به کار می‌رود.

"You seem very **sure of passing** the exam. I hope you're right."

ساختار "مصدر با to + certain/sure" برای اشاره به احساسات خود گوینده یا نویسنده به کار می‌رود.

"The repairs are **certain to cost** more than you think." (NOT ~~The repair are certain of costing.~~ )

"Mary is **sure to win**; the other girl doesn't have a chance."

نکته: "Mary is sure to win" به معنی "I am sure that Marry will win." می‌باشد.

# ایران توشه

- رانلور نمونه سوالات امتحانی

- رانلور گام به گام

- رانلور آزمون گام به گام و قلم چی و سنجش

- رانلور فیلم و مقاله انگلیزی

- رانلور و مشاوره

 IranTooshe.Ir

 @irantooshe

 IranTooshe

